

\* پایان اسطوره سازی از یک متهم صفحه ۲

\* موضوع انشاء : انتخابات در زندگی ما چه نقشی دارد؟ صفحه ۳

\* روایت ری شهری از انتصاب منتظری به قائم مقامی رهبری صفحه ۴

\* مبارزه سنگر به سنگر با مافیای قدرت و ثروت صفحه ۶



## از آب تا سراب

ریشه یابی اضافات جدید عبدالکریم سروش □ عبدا... مرادی

– وحی الهام است. این همان تجربه‌ای است که شاعران و عارفان دارند.

– بنا به روایات سنتی، پیامبر تنها وسیله بود؛ او پیامی را که از طریق جبرئیل به او نازل شده بود، منتقل می‌کرد. اما، به نظر من، پیامبر نقشی محوری در تولید قرآن داشته است.

– شرایط حاکم بر زندگی پیامبر، آفریننده قرآن است. پس قرآن بشری و خطا پذیر است .

اینان سخنان عبدالکریم سروش، روشنفکر به اصطلاح دینی معاصر است که به زعم ما نقطه ثقل مرکزی تفکر دینی و الهی را نشانه رفته است، در این نوشتار در سعی آن می‌کوشیم که روند فکری و

پیش زمینه های سخنان عبدالکریم سروش در راه رسیدن به این اضافات ملحدانه و تاثیر و تآثر آن بر اندیشه دینی، را بررسی نموده و نقدی در خور حال و قال بر آن بنگاریم:

اولین تاملات دکتر سروش در کتاب (( نهاد نا آرام جهان)) به قلم درآمد که اثری مبتنی بر فلسفه اسلامی و برخوردار از غنای حکمت متعالیه بود که اتفاقاً مورد تأیید بزرگانی چون شهید مطهری نیز واقع گردید. در همین دوران بود که سروش در کنار علامه مصباح یزدی به مناظره با مارکسیست هایی چون احسان طبری برخاست و لیکن به تدریج و با انتشار کتاب ((علم چیست؟ فلسفه چیست؟)) درون مایه غربی خود و ارادت به قطب فکری آینده اش ((کارل پوپر)) را آشکار ساخت که البته با کناره گیری اش از شورای عالی انقلاب فرهنگی، این امر تشدید شد تا اینکه با انتشار

**سروش، دوشادوش ((جان هیک)) متکلم مسیحی و با پشتوانه پدیدار شناسی ((کانت))، هرمنوتیک فلسفی ((گادامر)) و در کتاب (( صراط های مستقیم))، بحث برداشت های مختلف از دین توسط بشر را ارتقا می دهد و سخن از برداشت های گوناگون انبیا از خداوند را مطرح می کند .**

گزاره داد.

اینک سوال می شود اگر دو برداشت با هم متضاد بود و هر دو صحیح، چگونه با حکم عقلی اجتماع نقیضین که محال است برخورد می شود؟ سروش در اینجا به جای پاسخ دادن، صورت سوال را پاک می کند. لازم به ذکر است که با وجود نقد های فراوان، سروش بسیاری را بی پاسخ نهاده است همچون کتاب (( حقیقت در آینه معرفت)) نوشته آیت ا... جوادی آملی که با گذشت بیش از ده سال همچنان پاسخی در بر نداشته است.

در گام دوم، سروش دوشادوش ((جان هیک)) متکلم مسیحی و با پشتوانه پدیدار شناسی ((کانت))، هرمنوتیک فلسفی (( گادامر)) و در کتاب (( صراط های مستقیم))، بحث برداشت های مختلف از دین توسط بشر را ارتقا می دهد و سخن از برداشت های گوناگون انبیا از خداوند را مطرح می کند .

ادامه در صفحه ۶

النسین و التمسال منذه و الطریق الوسطی هی الجاده

نشریه تحلیلی سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا

سال سوم - شماره دهم

# چاره



مقام معظم رهبری (حفظه ا...):

**در همه بخش های زندگی باید سعی کنیم اثری از بی عدالتی نماند. آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه مردم دنیا و به همه امت اسلام، به عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد.**

## مدیر مسئول کیهان : محکومیت موسویان به قدری کم بود که درخواست تجدیدنظر هم نداد

بالاخره پس از گذشت نزدیک به یکسال از زمانی که حسین موسویان به اتهام جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی توسط یک نهاد امنیتی بازداشت شد (۱۰/۲/۸۶) و پرونده وی در این خصوص در دستگاه قضایی به جریان افتاد، و با وجود فراز و نشیب های بسیار و تلاش برخی صاحبان قدرت نزدیک به وی برای اعمال نفوذ در پرونده اش، هفته گذشته حکم دادگاه صادر شد و موسویان به دو سال حبس تعلیقی و ۵ سال محرومیت از مشاغل دیپلماتیک در وزارت خارجه و هر نوع شغل مرتبط با امور بین المللی محکوم شد.

این حکم بنا به ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی صادر شده و وی به علت برهم زدن امنیت کشور از طریق در اختیار قراردادن اسناد طبقه بندی شده به بیگانگان محکوم شده است، اما آنچه قابل تامل به نظر می رسد نوع برخورد دستگاه قضایی با پرونده وی است.

در شرایطی که بنا به قول وزیر اطلاعات و رئیس جمهور، مواد جاسوسی موسویان از قبیل در اختیار گذاشتن مستمر اسناد طبقه بندی شده نظام به بیگانگان از طریق جلسات

گفتگوهای

و اقدام علیه

منافع شخصی و

موسویان محرز

اقدامات

فشارهای متعدد

ایران در

هسته ای وارد

کشور دچار

ضرر و زیان های مادی و معنوی همچون پذیرش دوساله تعلیق هسته ای گردیده است، حکم دستگاه قضایی به موسویان که حتی به جای حبس تعزیری، حکم تعلیقی را برای وی اعلام نموده و عدم مجرم شناختن وی به جاسوسی، به نظر نشان از تسامح بیش از حد دستگاه قضایی در مورد وی دارد.

به هر حال از دستگاه قضایی که هر حکم آن معادل خرج کردن حیثیت نظام انقلابی و اسلامی ماست، انتظار می رود در برخورد با پرونده های بزرگ همچون مفسدین امنیتی و اقتصادی و اخلاقی در سطوح کلان و بزرگ، از آبروی نظام برای آنها خرج نکرده و همچون سایر شهروندان عادی مملکت نسبت به صدور رای قاطعانه و متناسب با جرم برای آنها اقدام کند تا موجبات دلگرمی بیشتر مردم به نظام و انقلاب را فراهم آورد.

## حسین موسویان در بیمارستان بستری شد

خبرگزاری فارس: حسین موسویان معاون مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و سخنگوی سابق تیم مذاکرکننده هسته ای پنج شنبه گذشته به علت بیماری قلبی در بخش CCU بستری شد.

گفته می شود، یکی از رگ های اصلی قلب موسویان ۶۰ درصد و یکی دیگر از رگ های قلب وی ۴۰ درصد دچار گرفتگی شده است.

## رسوایی رسانه ای - سیاسی:

### حمله به نکته های احمدی نژاد در

### برنامه لغو شده!

عصرایران - قرار بود محمود احمدی نژاد یکشنبه شب ۲۰/۱/۸۷ در یک مصاحبه تلویزیونی حاضر شود که البته این اتفاق رخ نداد و برغم اعلام قبلی، لغو شد.

تا اینجای کار، مساله مهمی نیست جز انتقاد به رییس جمهور که چرا با وجود اعلام قبلی و انتظار مردم، این گفت و گو لغو شد؟

اما ادامه ماجرا، هم مضحک است و هم تاسف آور.

در پی لغو گفت و گوی تلویزیونی رییس جمهور، چند روزنامه منتقد دولت که از عدم انجام مصاحبه خبر

نداشتند، تحلیل هایی در نقد "گفته های رییس جمهور در برنامه تلویزیونی" منتشر کردند و از جمله نوشتند:

رییس جمهور دیشب از طریق رسانه ملی با مردم درباره مسایل اقتصادی و تغییرات کابینه صحبت کرد و به مردم درباره آینده روشن نوید داد.

این روزنامه ها، که "خبر از پیش آماده شده"ی خود درباره گفت و گوی رییس جمهور را منتشر کرده بودند،

در ادامه به نقد اظهارات (!) رییس جمهور پرداختند و از او انتقاد کردند که در برنامه دیشب به دنبال سیستم

بخشنامه ای برای حل مشکلات است.

این "گاف" رسانه ای، نشان می دهد که برخی منتقدان، کاری به اینکه دولت چه می کند و چه می گوید ندارند،

بلکه از نظر آنها، هر آنچه دولت انجام می دهد، محکوم، غیرکارشناسی و در یک کلمه "بد" است و باید به هر نحو ممکن، آن را کوبید و تخطئه کرد.

## آواز دلفین ها و روزنامه افتضاح ملی

روزنامه متعلق به کروی در یادداشتی با عنوان (آواز دلفین ها) در اهانتی آشکار به مردمی که به استقبال رییس جمهور در سفرهای استانی می روند، شور و شوق مردم را با حرکات دلفین ها که برای گرفتن غذا از دست مربی به کنار استخر می آیند، تشبیه کرد!

روزنامه اعتماد ملی در این یادداشت می نویسد: حکایت غریبی است رقص و آواز دلفین های جزیره. پس از

تحمل ساعت ها گرسنگی و بی غذایی، دست مرد جوان که از سبد آذوقه بیرون می آید، دلفین ها معصومانه اما

هنرمندانه سر و بال می جنبانند و سپس به لقمه کوچکی قانع می شوند و تن به خیسی استخر زیبای پارک

می دهند. با اشاره ای دیگر از سوی صاحب لقمه های از پیش مهیا شده، ناباورانه می بینیم که از گلوی این

بی زبان های زیبا، صداهایی هماهنگ اما ناهمگون به گوش می رسد. دلفین ها بلندتر می خوانند و ...

## موضوع انشا: انتخابات در زندگی ما چه نقشی دارد؟ (۱)

به نام خدا

البته بر همگان واضح و مبرهن است که انتخابات کار خوبی است و مردم باید سرنوشت خود را در آن بگیرند. ما همیشه در انتخابات شرکت می کنیم. من هنوز به سن انتخابات وارد نشدم ولی جمعه ها با پدر و مادرم به انتخابات می رویم و رأی می دهیم. پدرم که خودش یک مرد کارگر می باشد همیشه در انتخابات شرکت می کند و به مادرم می گوید باید به یک نفر که خودش لاغر و از مردم فقیر باشد رأی بدهیم. من انتخابات را خیلی دوست دارم چون تلویزیون در آن آهنگهای زیاد پخش می کند. پارسال که دوباره انتخابات بود مادرم به آقای احمدی رای داد چون او گفت مردم فقیر نباید باشند. مادر من وقتی تلویزیون گفت که آقای احمدی در انتخابات برنده است خیلی خوشحال بود و شام قورمه سبزی درست کرد. من قورمه سبزی را خیلی دوست دارم و مخصوصاً گوشت هایش را مادرم همیشه پیدا می کند و به من می دهد. من دعا می کنم دوباره آقای احمدی برنده شود چون قورمه سبزی غذای خوب و مقوی است. ما از انتخابات قبلی همراه قورمه سبزی می خوریم و از آقای احمدی تشکر می کنیم. برای همین ما در انتخابات شرکت می کنیم که آمریکا و مخصوص جرج بوش که تلویزیون گفت احق است بفهمد و دیگر مردم را اذیت نکند. پدر من روزنامه خرید و در روزنامه نوشته بود یک نفر در بانک پول زیاد را دزدیده بود. اگر از پول پدرم دزدیده شده باشد دیگر نمی شود که ماشین بانک را برنده شویم. من دوست دارم کسی که در انتخابات برنده شد دزدها را بگیرد و توی زندان بیندازد و ماشین ما را که اگر خدا بخواهد برنده شدیم به ما بدهد. ماشین خیلی خوب است و می توانیم با آن به مدرسه برویم مثل پوریا و سینا و شروین و جعفر که با آن به مدرسه می آیند. ما باید در ماشین کمربند ایمنی را ببندیم. من قول می دهم اگر ماشین را برنده شدیم کمربند آن را ببندیم که تصادف نشود. در نتیجه انتخابات خوب است و من و خانواده ام در آن شرکت می کنیم.

محمدحسین کاظم زاده - کلاس سوم ب

## موضوع انشا: انتخابات در زندگی ما چه نقشی دارد؟ (۲)

به نام خدا

من تا سه شنبه قبلی که خانم معلم گفتند انتخابات چه نقشی در زندگی ما دارد انتخابات را ندیده بودم. من وقتی به خانه رفتم از پدرم سؤال کردم. من پدرم را خیلی دوست دارم چون او برای من همه چیز می خرد و آدم خوبی هست. پدر من در روز پنجشنبه که تولد خواهر من بود گوشی N۹۵ خریده بود که به من داد. من از پدرم پرسیدم که انتخابات چه نقشی در زندگی ما دارد. او به من گفت ولی نمی توانم در اینجا بنویسم. پدر من آدم خوبی هست و باادب می باشد و همیشه کراوات اتو کرده می پوشد اما وقتی موضوع انشا را گفتم حرفهای بدی زد که نوشتم. ما در روز جمعه که به همراه دایی شهروز و زنش که تازه گرفته است به قشم رفته بودیم دایی به باجناق خودش که قبلاً با خواهر زن او عروسی کرده بود درباره انتخابات صحبت کرد و گفت انتخابات در زندگی نقش مهمی دارد و سال قبلی که انتخابات شد جنسهایش که در خارج خریده بود سه ماه توی کشتی ماند و نتوانست بیاورد اما دوباره که چند ماه بعد از آن شده بود مشکل آنها درست شد و آنها که خریده بود گرانتر شد و برای همین او نتوانست دختر آقای جواهریان را برای خودش بگیرد و الان در زندگی خود خوشبخت می باشند. و من فهمیدم که انتخابات در زندگی ما باعث خوشحالی می باشد. من در تلویزیون دیدم که در برنامه آقای شب خیز یک آقای دربار انتخابات صحبت کرد و گفت مردم اگر رأی ندهند ما دوباره به آنجا می آییم. در نتیجه من از این انشا نتیجه می گیرم انتخابات در زندگی ما خیلی مهم است برای اینکه آدمها ازدواج می کنند و در قشم که خیلی زیبا می باشد ویلا با استخر می خرند و ما جمعه ها به آنجا می رویم و همه با هم در انتخابات شرکت می کنیم.

شروین فرمان گستر - کلاس سوم ب

## موضوع انشا: انتخابات در زندگی ما چه نقشی دارد؟ (۳)

بسم ... الرحمن الرحيم

خانم معلم ما از ما خواسته اند که درباره انتخابات چه نقشی در زندگی ما دارند انشای خود را بنویسیم. انتخابات در زندگی ما نقش زیادی دارد. پدر من در مجلس خودش یک نماینده است و در چهار سال پیش که در شهرستان بودیم عکسهای خودش را که در آنها با آدمهای زیادی دست داده است چاپ کرد و برای همین در انتخابات برنده شد و ما به تهران آمدیم. مادر من برای زنها در سفره و جلسات صحبت می کند که به آدمهای خوب و پدر من رأی بدهند. پدر من از وقتی به تهران آمدیم همیشه به مشکلات مردم فکر می کند و آنها را حل نموده است. در همین دیروز ما در خانه نشستیم بودیم و یکی از مردم که دارای مشکلات زیاد می باشد به خانه ما آمد و پدرم مشکل او را که موبایلهايش در گمرک زیر خاک مانده بود حل کرد و او چهار تا گوشی بازی دار به پدرم داد و پدرم به زور آن را قبول کرد. الان پدر من به شهرستان رفته و مشکلات مردم آنجا را حل می کند برای اینکه در انتخابات که جدید است به او رأی دهند. پدرم یکبار به مادرم گفت مردم خیلی ساده می باشند برای اینکه حاجی فاضل که به آنها آبگوشت زیاد داده بود می خواهد در انتخابات شرکت کند و ما باید به مردم کباب بدهیم که بهتر است. من کباب را خیلی دوست دارم و برای همین در انتخابات شرکت می کنم. داماد ما که در سال پیش با خواهر من عروسی کرد و در عروسی او اول حاج[...]] آمد و بعد که رفتند آرگ آوردند پسر آقای شوکت است که در اداره رئیس می باشد. داماد ما هم مثل ما در انتخابات شرکت می کند و گفته است اگر پدر من رأی نیابد ممکن است پدر او را که به مردم خدمت می کند استعفا دهد و مشکلات مردم حل نشود. من دوست دارم مشکلات مردم حل شود و همه بچه ها مثل ما ماشین داشته باشند و به مدرسه بیایند و کمربند خود را سفت ببندند. پس نتیجه می گیریم انتخابات نقش مهمی در زندگی ما دارد و من و پدرم و مادرم و دامادمان در انتخابات شرکت می دهیم و با مشت محکم از همه چیز دفاع می کنیم. با تشکر از خانم معلم مهربان.

جعفر سلطان آبادی - کلاس سوم ب

تغییرات در کابینه اینک به جاهای حساس خود نزدیک می شود اگر تاکنون تغییرات در وزارت های تعاون ، صنایع و... خیلی مهم جلوه نمی کرد اما اینک انگیزه و نگاه ریاست جمهور در تغییرات اساسی در وزارت خانه های اقتصاد و کشور روشن می گردد .

احمدی نژاد در حالی دو سال و اندی حضور پور محمدی را تحمل کرد که قلب کابینه ، استانداران و فرمانداران را در اختیار وی نهاده بود و بدین سبب بسیاری از مسئولین اجرایی از میان نیرو های غیر همسو با احمدی نژاد انتخاب گردیده بودند ، نیرو هایی که ضعف آنان از عوامل عدم موفقیت دولت در بعضی از بخش ها گردیده است .

در وزارت اقتصاد نیز ، تفکرات سرمایه داری و نزدیکی دانش جعفری به تفکرات کارگزاران سازندگی از جمله مشکلات دولت در ساخت مدلی اقتصادی بر مبنای اسلام بود. توجه به ارزش های انقلاب و عدم مرعوب شدن در مقابل گزاره های غربی در اداره کشور از شعارهای اساسی احمدی نژاد بود که مسلماً با حضور اقتصاددانانی با نگاه لیبرال سرمایه داری در حوزه وزارت اقتصاد ، عملی نمی شد . با این تفصیلات به گوش می رسد که مراسم تودیع و معارفه داود دانش جعفری و حسین صمصامی به عنوان سرپرست وزارت اقتصاد برگزار شود. صمصامی که پیش از این دبیر کمیسیون اقتصادی هیات دولت بوده و دارای مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی است.

دانش جعفری وزیر اقتصاد نیز از همان زمان که بحث عزل یکباره تمام اعضای هیات مدیره بیمه ایران مطرح شده بود، آمادگی خود را برای کناره گیری از این سمت به رئیس جمهوری اعلام کرده بود و تصریح کرده بود تا زمانی که رئیس جمهوری به گزینه جدیدی برای این سمت برسد، در پست وزارت خواهد ماند. در سوی دیگر گفته می شود محمد رضا رحیمی رئیس دیوان محاسبات کشور به جای پور محمدی به ساختمان وزارت کشور در خیابان فاطمی خواهد رفت .

## روایت ری شهری از انتصاب منتظری به قائم مقامی رهبری

### نامه عزل ایشان توسط امام (ره)

حجت الاسلام محمدی ری شهری در کتاب جدید خود که به بررسی مقطع حساسی از جمهوری اسلامی از نصب منتظری به قائم مقامی رهبری تا عزل وی و ماجرای باند مهدی هاشمی اختصاص دارد، نحوه انتصاب منتظری به قائم مقامی و نظر مخالف امام(ره) با این مسئله را تشریح کرد. بدین جهت مطلوب دیدم با توجه به عبرت آموزی این موضوع در تاریخ انقلاب و نیز درج مطالبی خلاف واقع در بعضی نشریات دانشجویی ، نامه عزل منتظری توسط حضرت امام (ره) را چاپ نمائیم :

بسم الله الرحمن الرحيم

#### جناب آقای منتظری

با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه ای برایتان می نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه اخیرتان نوشته اید که نظر تو را شرعاً بر نظر خود مقدم می دانم؛ خدا را در نظر می گیرم و مسائلی را گوشزد می کنم. از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال ها و از کانال آنها به منافقین می سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده اید. شما در اکثر نامه ها و صحبت ها و موضعگیری هایتان نشان دادید که معتقدید لیبرال ها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده ای برای جواب به آنها نمی دیدم. مثلاً در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلف و الوف رساندند و می بینید که چه خدمت ارزنده ای به استکبار کرده اید. در مساله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدینین متدین تر می دانستید و با اینکه برایتان ثابت شده بود که او قاتل است مرتب پیغام می دادید که او را نکشید. از قضایای مثل قضیه مهدی هاشمی که بسیار است و من حال بازگو کردن تمامی آنها را ندارم. شما از این پس وکیل من نمی باشید و به طلابی که پول برای شما می آورند بگویند به قم منزل آقای پسندیده و یا در تهران به جماران مراجعه کنند. بحمد الله... از این پس شما مساله مالی هم ندارید. اگر شما نظر من را شرعاً مقدم بر نظر خود می دانید - که مسلماً منافقین صلاح نمی دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می شوید که آخرتتان را خراب تر می کند-، با دلی شکسته و سینه ای گداخته از آتش بی مهری ها با اتکا به خداوند متعال به شما که حاصل عمر من بودید چند نصیحت می کنم دیگر خود دانید:

۱ - سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرال ها نریزد. ۲ - از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تصمیمات شما بگذرد.

۳ - دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند. ۴ - نامه ها و سخنرانی های منافقین که به وسیله شما از رسانه های گروهی به مردم می رسد؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان -روحی له الفدا- و خون های پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند. و... قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده لوح می دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیل کرده که مفید برای حوزه های علمیه بودید و اگر این گونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی کنم. و... قسم، من با نخست وزیر بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می دانستم. و... قسم، من رای به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم. سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پر از غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم؛ من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم هرگز چشم پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت بر نمی دارم. من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم. من بعد از خدا با مردم خوب و شریف و نجیب پیمان بسته ام که واقعیات را در موقع مناسبتش با آنها در میان گذارم. تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگانش به اسلام؛ سعی کنند تحت تاثیر دروغ های دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن را با شوق و شور و شغف پخش می کنند نگردند. از خدا می خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد. ما همه راضی هستیم به رضایت او؛ از خود که چیزی نداریم، هر چه هست اوست. و السلام.

یکشنبه ۶ / ۱ / ۶۸

روح... الموسوی الخمينی

سروش چون مقتضیات زمان را نمی فهمد و احکام ثابت و متغیر دین را نیز درک نمی کند، نمی تواند پیامبری با نگاه زاهدانه و صلح جویانه را با جهاد و نگاه اجتماعی پیامبری دیگر، جمع بندد و اصول کلی را استخراج کند بنابر این به تفاوت و تضاد شناخت پیامبران از خداوند حکم می کند.

در آئین مسیحیت هیچ انسانی به جز مسیحیان امکانی برای سعادت و بهشتی شدن ندارند (حتی پیامبران پیش از عیسی (ع)) که این نظر دقیقاً بر خلاف نظر اسلام است. بدین مفهوم که اسلام در آموزه نجات پلورالیست و تکثر گرا است و بهشت را بهای عمل صالح می داند نه صرف مسلمانی. جان هیک برای رهایی مسیحیت از این بن بست و داخل کردن همه انسان ها در بهشت اشتباهی بزرگ تر مرتکب می شود و آن اینکه پلورالیسم را از حد آموزه نجات که مورد تأیید اسلام است به حقانیت گسترش می دهد و از این پس همه

ادیان در کنار و عرض همدیگر، همگی به یک نسبت از حقانیت برخوردار هستند و مصداق آن کسی هستند که از افتادن از دیوار اندازش می دهند پس اینقدر عقب عقب می رود که از پشت سر می افتد.

سروش نیز با کور چشمی عجیبی

درمانی که جان هیک برای درد جامعه مسیحی تجویز کرده را به اسلام که اصلاً با چنین مرضی روبرو نیست تسری می دهد و همان نسخه را می پیچد. ترجمه ای رثا از آثار جان هیک می نماید و برای اثباتش آیه ای از قرآن را به دلخواه تحریف می کند و ابیاتی ناقص از مولوی را نیز در کنار آن قرار می دهد و با تفسیر به رای خود صراط های مستقیم خود را در مقابل صراط مستقیم قرآن علم می کند.

تا اینجا سروش کار خود را به نحو در خور تقدیری از سوی منادیان تفکر الحادی مدرن به انجام می رساند و لیکن مشکلی بزرگی همچنان بر سر راه است که آن را از زبان کاردینال «جان یوس تووان» مسئول گفتگو با مسلمانان در واتیکان نقل می کنیم:

((من حاضر به گفتگوی دینی با مسلمانان نیستم، زیرا آنان اصلی را پذیرفته اند که ما نپذیرفته ایم. آنان می گویند: وحی الهی بدون دست خوردگی و به صورت زلال از مقام ربوبی بر قلب رسول خدا و آنگاه بر زبان او وارد شده و دست نخورده به دست آنها رسیده است.))

آری اسلام ویژگی هایی دارد که آن را از سایر ادیان متمایز می کند؛ از جامعیت، خرد پذیر بودن و فطری بودن که بگذریم؛ کتابی تنزیل شده از جانب خداوند و دست نخورده، پیامبری معصوم، که مسیحیت و یهودیت از این دو تهی هستند.

به واقع سروش اکنون وظیفه دارد که این معیار های متقن و قابل اتکا را از اسلام بستاند که از دو جنبه قابل بررسی است:

الف: چه آنکه گفتیم اگر قرار باشد بر مبنای نظریه (بخوانید ترجمه) قبض و بسط تنوریک شریعت، برداشت های مختلف و همگی صحیح از دین داشته باشیم، زود باشد که به واسطه وجود سنگ محکی قابل اتکا چون کتاب و سنت، موی در ماست پیدا گردد و بحث قرائت های مختلف از بنیان دچار لرزش گردد.

ب: از زاویه دیگر به نظر می رسد، اثبات صراط های مستقیم نیازمند به پائین آوردن شأن اسلام به اندازه ادیان تحریف شده ای چون مسیحیت و یا یهودیت و حتی بودائیسیم است همانند کاری که خلیفه دوم در داخل نمودن امام علی (ع) در شورای خلافت انجام داد؛ آنها نتوانستند فضائل خود را به میزان علی (ع) ارتقا دهند بنابراین با انکار فضائل علی (ع)، ایشان را به سطح عبدالرحمان بن عوف و طلحه و ... تنزل دادند.

در این مرحله سروش وظیفه دارد برای اثبات نظریات (بخوانید ترجمه ها) خود دست به از بین بردن این معیار ها و ملاک ها بزند بنابراین در ابتدا در معصومیت و حجیت سخنان ائمه (ع) با بحث پیرامون خاتمیت تشکیک می کند.

سپس در سیر رو به رشد خود در کتاب (( بسط تجربه نبوی ))، وحی را نوعی الهام و تجربه شاعرانه و حالت خلسه ای می داند که عرفا هم در آن شریکند و به قول خود این تجربه دینی پیامبر را بسط می دهد. و می دانیم که برای مکاشفه و شهود اعتباری نیست.

پس از امامت و نبوت، قرعه بنام وحی و قرآن، متعالی ترین جنبه تفکر دینی می افتد و به قول آیت ... سبحانی در پاسخی به سروش: گل بود به سبزه نیز آراسته شد!!! سروش اینبار با مغالطه ها و دروغ های آشکار، (( فردریک شلایر ماخر)) را امام خود قرار می دهد و

**((من حاضر به گفتگوی دینی با مسلمانان نیستم، زیرا آنان اصلی را پذیرفته اند که ما نپذیرفته ایم. آنان می گویند: وحی الهی بدون دست خوردگی و به صورت زلال از مقام ربوبی بر قلب رسول خدا و آنگاه بر زبان او وارد شده و دست نخورده به دست آنها رسیده است.))**

ترجمه هایش از او را همانند سابق با ابیاتی از مولوی آذین می بخشد و برای ادعاهای باطل خود به دنبال شریک جرم هایی می گردد و از معتزله گرفته تا ملاصدرا و حتی امام خمینی (ره) را در جرم خود شریک می کند!!!

چگونه ممکن است قرآن کلام پیامبر باشد در حالی که در این کتاب ۳۳۲ بار فرمان «قل» (بگو) به پیامبر داده شده و او عیناً این فرمان را با ذکر کلمه «قل» در قرآن آورده است!!!

و او چشم خود را بر این آیات می بندد و نیز بر دعاها و شب زنده داری های پیامبر اکرم (ص) برای درخواست نزول وحی ...

ادعا می کند پیامبر آفریننده قرآن است و بشری و لاجرم خطاپذیر و بی هیچ برهانی قرآن را به دو بخش دنیایی و آخرتی تقسیم می کند، بخش دینی را که شامل معاد و آخرت و ... است را کاملاً صحیح و زلال می داند ولی احکام دنیایی و علوم دیگر قرآن را ناصاف و گل آلود و دچار خطا ... حال چگونه به این کشف مهم نائل آمده اند خدای بهتر داند !!!

شک و تردید، همواره مولود نبود معیار و مقیاس سنجشی است که فکر آن را بپذیرد و دل با او انس گیرد تا انسان، انسان گردد و کابوس جهل و شیطان شکاکیت را از خود برهاند. خداوند نیز با تنزیل کتابی تحدی شده، پیامبر و امامانی معصوم به این نیاز فطری و عقلی انسان پاسخ مثبت داده است.

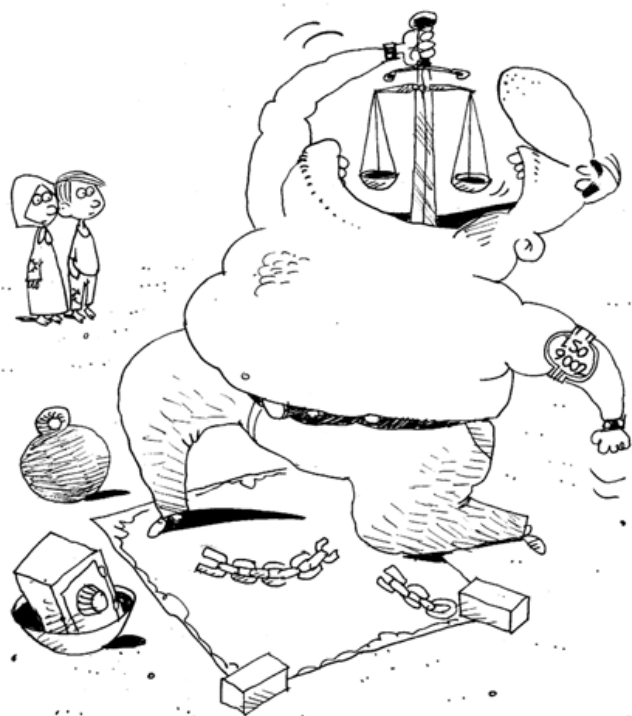
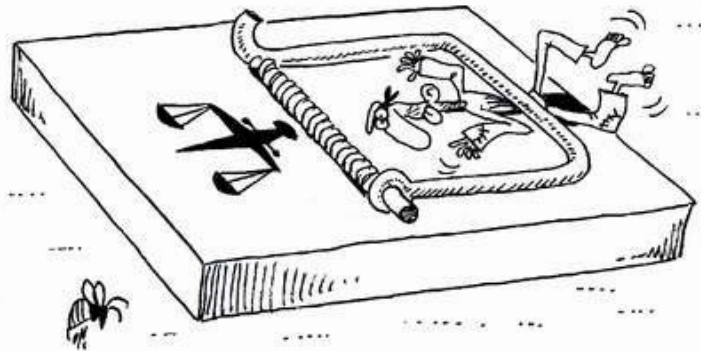
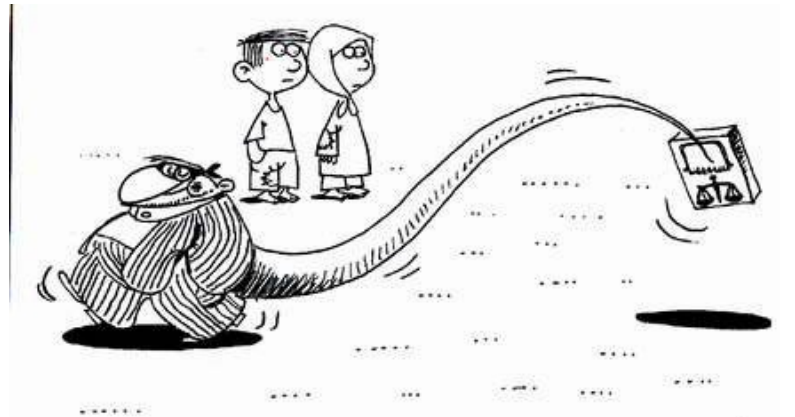
اینک می توان با توجه به نوشتار فوق دانست که نه تنها در خیر و صلاح اسلام نمی کوشد بلکه با ادعای پر طمطراق روشنفکری دینی (و چه جفایی است بر روشنفکرانی چون بازرگان و شریعتی که با همه نقد های وارده به آنان، لااقل ندای بازگشت به خویشتن سر دادند و دلشان برای تفکر دینی می تپید). چون مترجمی آثار پوپر و کانت و شلایر ماخر با ادبیات عرفانی ترجمه می کند که نتیجه روشن آن از بین بردن معیار های سنجش و محک است نداشتن معیار همانا، آتش به خرمن ایمان فندان همانا

با عرض سلام و ارادت کامل به چهره های ماندگار مفاسد اقتصادی و تمامی اعوان و انصار و اولادِ مافیای قدرت و ثروت

## ۱۰ اردیبهشت سالروز فرمان ۸ ماده ای

### مقام معظم رهبری درباره مفاسد اقتصادی

فقط و فقط گرامی باد .



## \* مبارزه سنگر به سنگر با مافیای

### قدرت و ثروت

احمدی نژاد گفت: در جلسه‌ای نشستند و گفتند که فلانی را زمین خواهیم زد. او هرکاری کند دو جا دست ماست، یک نفت و دیگری بانکها.

شما می‌شناسید که منظور من چه کسانی است.

وی خاطرنشان کرد: شما این موضوع را اتفاقی نگیرید که من برای تصدی وزارت نفت ۴ نفر را معرفی کردم، بار اول یک برادر حزب اللهی ضد فساد را معرفی کردیم اما شب نامه‌ها آمد و در حالی که قرار بود برادری برود با فساد و مافیا مقابله کند، آن برادر را با شب‌نامه به مافیا متهم کردند و او نتوانست رای اعتماد بگیرد. وی ادامه داد: معرفی نفرات دوم و سوم نیز با برخوردهای این‌گونه مواجه شد و در نهایت ما مجبور شدیم برای این که کارهای این وزارتخانه متوقف نشود، عقب‌نشینی کنیم تا کار نفت متلاشی نشود و در مورد بانکها نیز به همین صورت است.

رئیس جمهوری گرانی مسکن را نتیجه عملکرد برخی از بانکها در ارائه تسهیلات به افراد خاص دانست و گفت: اواخر سال ۸۵ و سال گذشته یکباره دیدیم که یک اتفاق پیش بینی نشده و مضر در بخش مسکن در حال وقوع است و یکباره موج سنگینی اتفاق افتاد بطوری که روزانه قیمت مسکن بالا می‌رفت. از وزیر ان اطلاعات و اقتصاد خواستیم که به سرعت موضوع را بررسی کنند، زیرا اخباری داشتیم که باند ویژه‌ای نشستند و در ارتباط با برخی بانکهای خصوصی و دولتی منابع بانکی را وارد بازار مسکن کرده‌اند.

رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: وزیر اطلاعات گزارش داد برخی بانکها بیش از یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پول را به افراد خاص داده‌اند، وقتی خواستیم با این موضوع برخورد کنیم دست‌های فراوانی وارد کار شد و برغم اینکه دولت بانک مرکزی را موظف کرد که بر قانون اعطای وامها نظارت کند، برخی عوامل مقاومت کردند.



## جاده

نشریه تحلیلی، سیاسی و انتقادی جامعه

اسلامی دانشجویان

دانشگاه بوعلی سینا همدان

مدیر مسئول: میثم بی‌آبادی

گروه نویسندگان: عبدالله مرادی حمید سلطانی

میثم بی‌آبادی، پژمان شیخ الاسلامی نسب